

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال سیزدهم، شماره پنجاهم، تابستان ۱۴۰۰

## آموزه‌های تعلیمی - اخلاقی در غزلیات حکیم نزاری قهستانی

دکتر پروین رضایی

### چکیده

تعلیم و تربیت از دیرباز اهمیت بسیاری داشته است و شاعران و نویسندگان در ضمن آثار خود همواره به این مهم توجه کرده‌اند. نزاری قهستانی از جمله شاعرانی است که به اهمیت آموزه‌های تعلیمی توجه کرده است؛ به طوری که غزلیات خود را بسیار به نوع تعلیمی آمیخته است؛ در نتیجه اشعارش سرشار از مضامین و معانی تعلیمی و حکمی است. نگارنده در این پژوهش بر آن است تا به روش توصیفی - تحلیلی و با ابزار کتابخانه به بررسی و تحلیل محتوایی - آماری آموزه‌های تعلیمی در غزلیات حکیم نزاری بپردازد. حاصل مطالعه و بررسی این پژوهش نشان می‌دهد که نزاری در غزلیاتش خوانندگان را به فضایل مهم اخلاقی و انسان‌ساز مانند صبر، توبه، مهربانی، عفو، خلُق نیک، قناعت و وفای به عهد دعوت می‌کند و از ردایلی مانند کینه، حرص، مکر و حيله، غرور و عُجب، آزار دیگران، ظلم، حب دنیا و ریا و... برحذر می‌دارد.

### واژه‌های کلیدی

تحلیل محتوایی، مضامین تعلیمی، نزاری قهستانی، غزل

---

\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

rezaee\_parvin@yahoo.com

تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۳/۲۷

تاریخ وصول ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

## ۱- مقدمه

یکی از گسترده‌ترین و رایج‌ترین انواع ادب فارسی، متون و اشعار تعلیمی است. از دیرباز عارفان و ادیبان و بزرگان جوامع بشری بر آن بوده‌اند تا این رسالت را به بهترین نحو انجام دهند. آنان می‌کوشیدند با زبانی ادبی و هنری و تأثیرگذار به تعلیم و تربیت هم‌نوعان خود بپردازند و آن‌ها را در مسیر صحیح زندگی رهنمون باشند تا زمینهٔ سعادت و نیک‌بختی انسان‌ها را فراهم کنند؛ از این رو تعلیم و تربیت در همهٔ انواع ادبی گسترده شده است؛ به طوری که مواعظ و نصایح و معانی ادب تعلیمی در گونه‌ها و قالب‌های شعر فارسی به گونه‌ای تبلور یافته است که ویژهٔ نوع خاصی از قالب‌های شعری نیست. در واقع همواره شاعران و نویسندگان کوشیده‌اند تا با درآمیختن زبان و آموزه‌های پرورشی به بهبود منش اخلاقی مخاطبان کمک کنند و سبب پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاقی بشر شوند. در ادبیات فارسی، بحث انواع ادبی در متون نظم و نثر کهن جهت‌ها و سویه‌های مختلف محتوایی دارد و هر ژانر ادبی در سیطرهٔ معنا و مفاهیم غالبی است؛ اما در کنار این موضوعات، برخی جنبه‌های سایر ژانرها نیز در آن‌ها دیده می‌شود؛ برای مثال فردوسی در شاهنامه که متنی غالباً حماسی است، از اندرز و تعلیم نیز فراوان استفاده کرده است؛ یا در گونهٔ غنایی و غزل نیز جنبه‌های تعلیمی بسیار مدنظر بوده است؛ چنانکه در غزل مولانا، سنایی، سعدی و حافظ این سویه‌های تعلیمی بسیار یافت می‌شود (رضائی، ۱۳۹۹: ۲)؛ بنابراین شعر غنایی (غزل سعدی، مولوی و حافظ) نیز در ابیات بسیاری با شعر تعلیمی گره خورده و این آثار نیز در میان مقالات پژوهشی بررسی شده است (رضی و فرهنگ، ۱۳۹۲: ۵۶؛ مدرس‌زاده و صفوی، ۱۳۹۲: ۱۴۳).

باتوجه به اهمیت ویژه‌ای که تعلیم و تربیت در ارتقای روح و ذهن بشر داشته است، شاعران و نویسندگان همواره کوشیده‌اند تا در ضمن آثار خود، مخاطبان را در جهت تعالی بشر سوق دهند؛ نیز زمینهٔ سعادت دنیوی و اخروی آنان را فراهم کنند و در مخاطب تأثیری ژرف‌تر از تأثیر لذت‌های ظاهری ایجاد کنند؛ به گونه‌ای که این لذت‌نشأت‌گرفته از بیدارسازی دگرگونی فکری مخاطب باشد؛ از این رو گاه آثاری را از خود به یادگار گذاشته‌اند که فقط به تعلیم و تربیت مخاطب توجه دارد و به‌طور ویژه

روح تعلیم و تربیت را در ضمن آثار خود متبلور ساخته‌اند؛ گاهی نیز در ضمن اشعار و داستان‌ها و نوشته‌های خود، آموزه‌های تعلیمی را به مخاطب گوشزد کرده‌اند و دریایی از معارف را پیش روی مخاطبان خود قرار داده‌اند؛ اگرچه در ظاهر، آثارشان در ژانرهای دیگری مانند عاشقانه، عارفانه، حماسی و... قرار گرفته است، در نهایت تأثیر تعلیمی بر مخاطب دارد و شاید اثرگذاری غیرمستقیم این آموزه‌ها به مراتب بیشتر از آثاری باشد که فقط به مخاطب پند و اندرز می‌دهد؛ زیرا این آثار در عمق جان و روح مخاطب نفوذ می‌کند و سبب التذاذ او می‌شود.

یکی از جلوه‌گاه‌های مضامین پندگونه و تعلیمی، ادبیات غنایی و به‌ویژه اشعار عارفانه و عاشقانه است که درحقیقت آن‌ها را باید گونه‌ای از اشعار غنایی - تعلیمی به شمار آورد. از جمله آثار گرانسنگ غنایی، غزلیات حکیم نزاری است که از سده هفتم و هشتم هجری به یادگار مانده است. تنوع موضوعات این اشعار بر اهمیت و ارزش آن افزوده است. بررسی این غزلیات ارزشمند نشان می‌دهد که این اشعار سرشار از مضامین تعلیمی است و سراینده در هنگام سرودن غزلیات عاشقانه و عارفانه از اهمیت تعلیم آموزه‌های اخلاقی غافل نبوده و در سرودن اشعار خود، موضوعات اخلاقی و تعلیمی را به مخاطب خود گوشزد کرده است. بر همین اساس، نگارنده بر آن است تا ضمن بررسی و برشمردن آموزه‌های تعلیمی (انذار از رذایل اخلاقی و دعوت به محاسن اخلاقی) در غزلیات حکیم نزاری، علل و انگیزه‌های کاربرد مضامین تعلیمی را بررسی کند.

### ۱-۱ اهمیت و ضرورت پژوهش

نزاری قهستانی یکی از شاعران کمترشناخته‌شده زبان و ادبیات فارسی است که اشعارش اهمیت توجه‌برانگیزی دارد. نزاری در سده‌ای می‌زیسته است که شاعران دسته اول و استادان بلامنازع زبان پارسی، شاهکارهای ناب‌ی را از خود به یادگار گذاشته‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت کم‌شهرتی وی تا حد زیادی به علت تقارن زمان حیات و شاعری وی با بزرگان دسته اول زبان فارسی مانند سعدی، حافظ و... بوده است؛ اما بررسی اشعار وی نشان می‌دهد که آثارش سرشار از مفاهیم غنی عرفانی، غنایی و... است و به سبب تسلط وی در زمینه عرفان، ادبیات، فلسفه و... اشعار نزاری اهمیت بسیاری دارد.

تاکنون پژوهش مستقلی درباره بررسی مضامین تعلیمی در اشعار نزاری صورت نگرفته است؛ بنابراین انجام چنین پژوهشی ضروری به نظر می‌رسد.

### ۲-۱ پیشینه پژوهش

نزاری قهستانی یکی از شاعران متوسط زبان و ادب فارسی است که پژوهش‌هایی درباره زندگی و اشعار وی انجام شده است؛ اما تاکنون به‌طور ویژه آموزه‌های تعلیمی در اشعار نزاری بررسی نشده است. در ادامه، به‌طور مختصر به پژوهش‌هایی اشاره می‌شود که تاکنون درباره نزاری و اشعار وی انجام شده است.

۱. مجتهدزاده (۱۳۴۵) در مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد (جستارهای نوین ادبی) مقاله‌ای با عنوان «نزاری قهستانی»، اشعار و زندگی و مذهب این شاعر را به‌صورت کلی بررسی کرده است که این مقاله قدیمی‌ترین مقاله در این بخش است.

۲. طاهری و چینی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «معرفی نزاری قهستانی و بررسی سبک شناسانه غزلیات وی» ضمن معرفی این شاعر، اشعار وی را از نظر سبک‌شناسی بررسی کرده‌اند.

۳. در سال (۱۳۹۳) در نتیجه همایش ملی «نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی» در دانشگاه بیرجند، مجموعه مقالاتی در این زمینه به چاپ رسید.

۴. تجلی اردکانی و همکاران (۱۳۹۳) مقاله‌ای با عنوان «امامت و تعلیم در شعر ناصر خسرو و نزاری قهستانی» در همایش ملی «نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی» در دانشگاه بیرجند ارائه کرده‌اند.

۵. جعفری صادقی و حسینی کازرونی نیز در سال (۱۳۹۳) مقاله‌ای با عنوان «یکسانی محتوایی غزلیات و مثنوی دستورنامه نزاری قهستانی» در فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر به چاپ رسانده‌اند.

۶. علیاری (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی و پژوهشی در مذهب و عقاید نزاری قهستانی» مذهب و عقاید این شاعر را بررسی کرده است.

۷. مدرس‌زاده و پورسید (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مضامین تعلیمی در سفرنامه‌های ناصر خسرو، نزاری قهستانی و خسی در میقات جلال آل‌احمد» به‌صورت اجمالی به اشعار نزاری پرداخته‌اند.

۸. مقاله «علل و انگیزه‌های کاربرد مضامین تعلیمی در منظومه غنایی ازهر و مزهر نزاری قهستانی» (۱۳۹۹) از یوسف صفیان بلداجی و همکاران نیز پژوهش دیگری است که در مجله ادبیات تعلیمی منتشر شده است.

## ۲- احوال و آثار نزاری

حکیم سعدالدین بن شمس‌الدین نزاری بیرجندی قهستانی (۶۴۵-۷۲۰ یا ۷۲۱) از سرایندگان نیمه دوم سده هفتم و آغاز سده هشتم است که در روستای فوداج بیرجند دیده به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی را تحت تربیت پدر خود گذراند و نگرش پدر در شکل‌گیری و تأثیرپذیری جهان‌بینی شاعر نقش مهمی داشت. نزاری در جوانی به مطالعات بسیار و وسیعی پرداخت و تنها به دروس تعلیمی مکتب و مدرسه قانع نشد. نزاری با اشعار بزرگان ادب فارسی مانند ابوالقاسم فردوسی، عمر خیام و نظامی گنجوی و همچنین صوفیان شاعری مثل سنایی و فریدالدین عطار آشنایی کامل داشته است (ابوجمال، ۱۳۸۹: ۱۰۵). وی از شاعران هم‌عصر سعدی شیرازی بوده است و چندین نوبت با یکدیگر دیدار داشته‌اند (حالی، ۱۳۱۶: ۲۹-۳۰).

درباره شیوه سخن نزاری و سعدی باید گفت که نزاری چه در غزل‌ها و چه در مثنوی‌ها و چه در قصیده‌ها تحت نفوذ شدید سعدی است و هنر شعری او همه‌جا روح شعر نزاری را زیر پر و بال خود دارد؛ در واقع غزل‌های نزاری واسطه تتبع حافظ از سعدی است (مصفا، ۱۳۷۱: ۳۱۵). اشعار نزاری سرشار از اصطلاحات دینی، علمی و فلسفی، عرفانی و صوفیانه است که آن‌ها را در جایگاه‌های مناسب و در معانی درست خود به کار برده است. بسیاری از شاعران و نویسندگان (از جمله جامی، شاعر و عارف نامدار سده نهم) برخی از اشعار حافظ را متأثر از اشعار حکیم نزاری می‌دانند؛ به عبارت دیگر معتقدند که حافظ از شیوه نزاری پیروی کرده است. شعر نزاری از دو جهت در تحقیقات حافظ‌شناسی مهم است؛ نخست اینکه جامی به این شباهت و همسانی اشاره کرده و دیگر به سبب فضای فکری و موجودات شعری و خمربه‌سرایی مفرط اوست (خرمشاهی، ۱۳۸۵: ۶۲)؛ اما ذبیح‌الله صفا درباره این سخن جامی می‌نویسد: «جامی در

بهارستان مدعی است که حافظ از شیوه نزاری تبع کرده است و این به نظر بعید می‌آید و جز چند استقبال از چند غزل نزاری، اثر دیگری از او در اساس و بنیاد سبک حافظ ملاحظه نمی‌کنیم و در عوض نزاری، خود اشعاری را از خاقانی و سعدی چندین بار استقبال کرده و جواب گفته است» (صفا، ۱۳۶۹: ۷۴۰).

حکیم نزاری آثار متعددی در شعر فارسی دارد که در قالب‌های غزل و مثنوی و رباعی و ترجیع‌بند سروده شده است (صاحب اختیاری، ۱۳۹۲). آثار نزاری عبارت است از: *دیوان حکیم نزاری قهستانی*: این اثر به همت مظاهر مصفا در دو جلد به طبع رسیده و شامل احوال نزاری با توجه به اشعار و غزلیات وی است (نزاری قهستانی، ۱۳۷۱)؛ *سفرنامه*: به بحر مسدس محذوف، دربرگیرنده ۱۲۰۰ بیت در شرح سفر دو ساله نزاری است که آغاز آن شوال ۶۷۸ بوده است (مصفا، ۱۳۷۱: ۲۳۲). این کتاب به تصحیح چنگیز غلام‌علی بایبوردی در سال ۱۳۹۱ در انتشارات هیرمند ۱۳۹۱ به چاپ رسیده است؛

- *ادب‌نامه: ادب‌نامه بر وزن بحر متقارب مثنی محذوف به دوازده باب تقسیم شده که در اوایل سال ۶۹۵ هجری قمری برای شمس‌الدین علیشاه سروده شده است. محتوای منظومه ادب‌نامه در بیان چگونگی رفتار وزیران و منشیان و دیگر درباریان در برابر شاه است (رفیعی، ۱۳۹۲: ۲۲)؛*

*مثنوی روز و شب*: این مثنوی در بحر خفیف در ۵۴ سالگی شاعر، یعنی ۶۹۹ قمری سروده شده است. این مثنوی دربرگیرنده ۵۵۰ بیت است که به تصحیح و با مقدمه نصرالله پورجوادی در سال ۱۳۸۱ در نشر نی چاپ شد (نک. پورجوادی، در مثنوی روز و شب: ۱۳۸۵).

*ازهر و مزهر*: اشعار این اثر بر وزن بحر هزج مسدس مقصور است که دربرگیرنده حدود ده هزار بیت است؛ از این رو بزرگ‌ترین اثر منظوم او به شمار می‌رود. نزاری این کتاب را در سال ۷۰۰ قمری در قالب حماسی و دفاع از ایمان اسماعیلیه سروده است. یک محقق روسی به نام بایبوردی، این اثر را آرمان‌های نزاری تعبیر کرده است (بایبوردی، ۱۳۷۰: ۱۷۷).

*دستورنامه*: نزاری این منظومه را در سال ۷۱۰ هجری قمری در ۵۷۶ بیت سروده است. دستورنامه مثنوی‌ای بر وزن حدیقه سنایی (خفیف مسدس مخبون مقصور

یا محذوف) است. این اثر در مجموع پندنامه‌ای در چگونگی آداب معاشرت از زبان نزاری برای فرزندان است؛ در بردارنده نامه‌های منظوم و رباعیات حکیم نزاری قهستانی است. نامه‌های منظوم اول و دوم برای شرف‌الدین حسن، نامه سوم برای محمد بن نجیب حاکم گناباد و نامه‌های چهارم خطاب به علیشاه و در بیان دل‌تنگی از غیاب اوست. تعداد رباعیات نسخه کلیات سن پترزبورگ ۲۶۴ رباعی است؛ ۲۲ رباعی در اثر رطوبت و نم فروشته شده است و خوانا نیست (معرفی کتاب، نامه‌ها...، ۲۰۱۸).

### ۳- مضامین تعلیمی دیوان نزاری

تعلیم و تربیت یکی از اهداف اصلی و نخستین انسان‌ها به ویژه شاعران و ادبا بوده است و از این رو بزرگان ادب را بر آن داشته است تا در ضمن آثار خود به این مهم بپردازند و مخاطبان خود را در مسیر سعادت و رستگاری رهنمون کنند و زمینه رشد اخلاقی و تربیتی آن‌ها را فراهم آورند؛ از این رو گاه آثاری خلق کرده‌اند که تعلیم و تربیت انسان‌ها در بطن آن قرار دارد و به طور صریح و بی‌پرده مخاطب را به ارزش‌های اخلاقی رهنمون می‌کند. آنان گاه با فراست و زیرکی خود به ماهیت تلخ و ناخوشایند نصیحت و موعظه توجه کرده‌اند و کوشیده‌اند ضمن تقویت عاطفه زیبادوستی، در لفافه و به‌طور غیرمستقیم فضایل و ارزش‌های اخلاقی را برای مخاطب خود درونی کنند. غزلیات حکیم نزاری جزو آثار ارزشمند حکمی - عرفانی است که نویسنده در جای‌جای این سروده‌ها به تعلیم و تربیت مخاطب اهمیت داده و به فضایل اخلاقی فراخوانده و از رذایل اخلاقی برحذر داشته است. در ادامه به بررسی رذایل و فضایل اخلاقی‌ای پرداخته می‌شود که در غزلیات حکیم نزاری به آن توصیه شده است.

### ۳-۱-۳ رذایل اخلاقی تحذیر شده در اشعار نزاری

#### ۳-۱-۱-۳ نکوهش دورویی

نفاق یکی از مهم‌ترین بیماری‌های اخلاقی در عرصه اجتماع است که به تدریج در دایره دین و اجتماع نفوذ کرده است. این ویژگی ضربات کشنده‌ای را بر بدنه معنوی

جامعه وارد می‌کند و سبب هبوط معنویت و انسانیت در ورطهٔ هلاک می‌شود. در دین اسلام نفاق یکی از منفورترین ویژگی‌های نفسانی شمرده شده است و همواره به مسلمانان توصیه شده است تا نفس خود را از نفاق و دورویی پاک کنند. حکیم نزاری نیز به تأسی از قرآن، از نفاق و دورویی بیزاری می‌جوید و به مخاطبان خود توصیه می‌کند مانند آینه پاک و مصفا و یک‌رو باشند و اگر حیات و سعادت جاودانه می‌خواهند، همواره از نفاق بپرهیزند؛ زیرا منافق هرچند اعمال شایسته هم انجام داده باشد، این خصلت ناپسند همهٔ اعمال او را تباه می‌کند و در طریقت، دورویی و نفاق شایسته نیست:

نزاری، بت پرست اربت‌شکن باش      دورنگی در طریقت نیست لایق  
(نزاری، ۱۳۷۱: غ ۷۴۵)<sup>۱</sup>

رنگ دورنگی مکن کز ازل استاد کار      سکهٔ وحدت نهاد بر درم عاشقان  
(همان: غ ۹۵۲)

تا همه روی به روی تو کند مطلق دوست      راست چون آینه یک‌روی و مصفا می‌باش  
(همان: غ ۶۷۵)

اگر خواهی حیات جاودانه      به یک‌رنگی توانی شد یگانه  
(همان: غ ۱۱۰۵)

در پیش داشتن صداقت و راستی در گفتار و عمل از مهم‌ترین اندیشه‌های تعلیمی شاعران و غزل‌سرایان بوده است؛ هم در حوزهٔ ادبیات عرفانی و هم ادبیات غنایی و رفتارشناسی عاشق و معشوق، این موضوع تعلیمی مدنظر بوده است.

### ۳-۱-۲ نکوهش حسد

حسد یکی از گناهان خطرناک و کلیدی است که گناهان متعددی را در پی دارد. بنابر حدیث نبوی، حسد از خوی‌های ناپسندی است که هیچ‌کس از آن در امان نیست (ماوردی، ۱۴۰۸: ۲۶۶). در دین اسلام حسد بسیار مذمت شده و از مسلمانان خواسته شده است که از حسد به دور باشند و اگر ناخواسته گرفتار این ویژگی اخلاقی ناپسند شدند، با تفکر دربارهٔ آسیب‌های آن، تقویت عقل و تقویت ایمان و توجه به حکمت‌های خداوند بکوشند تا آن را از خود دور کنند (خواجه نصیر، ۱۳۶۰: ۲۰۰).



نزاری در ضمن غزلیات خود، مخاطبان خود را از پرداختن به حسد برحذر داشته و بیان کرده است که حسد نیکویی‌ها را زایل می‌کند و زمینه‌ساز کینه و عداوت خواهد بود؛ انسان‌های راستین از حسد دوری می‌کنند؛ زیرا حسادت ورزیدن عذاب و عقابی سخت به دنبال دارد:

حسد و بغض و تعصب نکنند اهل صفا دوستی باید و دلداری و یاری کردن

(نزاری، ۱۳۷۱: غ ۹۷۱)

حاسد اگر قرعه‌ای زند به تفأل در حق او آیه عذاب برآید

(همان: غ ۵۷۶)

### ۳-۱-۳ ذمّ حرص و طمع

حرص یکی از صفات نفس انسانی است که زمینه سقوط انسان را در حسیض ذلت فراهم می‌کند؛ از این رو در دین اسلام مکرر به انسان توصیه شده است که از این ویژگی ناپسند نفسانی برحذر باشند. نزاری نیز به تأسی از تعالیم دین اسلام در ضمن غزلیات خود بارها مخاطبان خود را از حرص و آز برحذر داشته است و حرص را دردی بی‌درمان می‌داند که پایانی برای آن نیست. او مخاطبان خود را به مبارزه با نفس اماره و حرص فراخوانده است و به آنان گوشزد می‌کند که حرص و آز، انسان را به قعر جهنم فرومی‌برد؛ از این رو انسان باید دامن خود را از حرص بشوید و از این رذیله اخلاقی توبه کند.

غسلی بر آر و توبه کن از پیر زال حرص بر پاک شوی عیب مکن، مرده پاک نیست

(همان: غ ۳۱۳)

گر عزای حرص خواهی کرد در صحرای دل یک شیخون بایدت بر نفس کافر تاختن

(همان: غ ۹۵۸)

یقین می‌دان که باشی در جهنم چو خود را در میان آز یابی

نسازد با تو دنیا تا تو از حرص همه کار جهان ناساز یابی

(همان: غ ۱۱۳۳)

تشبیه حرص به آتش در ادبیات تعلیمی و به ویژه *شاهنامه* (فردوسی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱)

۱۷۵؛ ۳۰۲ و همان، ج ۳: ۲۰۴)، مثنوی مولانا (مولوی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۶) بسیار دیده شده است. منظور از صفات در ادبیات تعلیمی صفات حیوانی و ناپسند آدمی است که باید به صفات نیک و پسندیده تبدیل شود (رضائی، ۱۳۹۹: ۱۸).

### ۳-۱-۴ نهی از غرور و عُجب

غرور یکی از بیماری‌های درونی است که انسان را از درون تهی، و اعمال و رفتار او را نابود می‌کند. انسان مغرور به جای اینکه پروردگار بی‌همتا را پرستش کند، از نفس، مال، مقام و علمش بتی می‌سازد و آن‌ها را عبادت می‌کند. مسئله غرور و نخوت از آن روزی که آدم به این کره خاکی پا نهاد، در همه دوران‌های تاریخ و عصر انبیای پیشین تا امروز، یکی از سرچشمه‌های اصلی و خطرناک فساد و انحراف و کفر و نفاق بوده است (فیض کاشانی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۲۲۳).

عُجب نیز یکی از صفات رذیله نفسانی است که می‌توان آن را زیرمجموعه غرور دانست. عجب در لغت، به خویشتن نازیدن، تکبر، غرور و خودبینی است و در نزد اندیشمندان آن است که آدمی خود را بزرگ شمرد؛ به سبب کمالی که در خود می‌بیند؛ اعم از آنکه آن کمال را داشته و یا نداشته باشد، اما گمان کند که دارد. در تعالیم اسلام خودپرستی نقطه مقابل خداپرستی است و صفت بسیار مذموم و ناپسندی است تاجایی که پیامبر (ص) نفس انسان را دشمن‌ترین دشمنان می‌داند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴: حدیث شماره ۱۲۰۵۷).

حکیم نزاری نیز از این رذایل اخلاقی بیزاری می‌جوید و بیان می‌کند تا زمانی که انسان گرفتار غرور و عُجب شود، هرگز نمی‌تواند از موهبت عشق بهره‌بردار و چنین فردی آن‌چنان در ورطه نفس خود غرق شده است که هر پند و نصیحتی برای وی بی‌تأثیر است. او همچنین اذعان می‌دارد که عُجب و خودپسندی از منفورترین ویژگی‌های بشری و بزرگ‌ترین دام در مسیر عرفان و سیر و سلوک است؛ نیز بیان می‌کند اگر انسان از خودپسندی و غرور به دور باشد، در راه کمال از آفات و دام‌هایی که نهاده شده است، ایمن خواهد بود. وی بت‌پرستی را بهتر از خودپرستی می‌داند و بر این عقیده است که هرگاه انسان از بند خودپسندی رها شود، به وصال حضرت حق می‌رسد.

نزاری مده پند مغرور را	که بر مار کر کردن افسون خطاست
تا کلاه کبر و ناز خواجگی ننهی ز سر	در صف عشاق گردان کی توان افراختن
از خود به درآیید و ملاقات بینید	تسلیم بباشید و مرادات برآرید
ز خود گر ایمنی ره بی‌گزند است	در این ره هم ز خود باشد گزند
به نقد امروز بی‌خود شو که فردا	پشیمانی نباشد سودمندت
نزاریا بُر از خود که بت پرستیدن	به مذهب من از آن به که خویش پیسنندند
بتر از بت پرستی خودپرستی است	درافتاده به دوران زمانه
	(همان: غ ۱۳۷۱: غ ۱۳۹)
	(همان: غ ۹۵۸)
	(همان: غ ۵۹۱)
	(همان: غ ۱۰۶)
	(همان: غ ۵۲۸)
	(همان: غ ۱۱۰۷)

در اندیشه‌های حافظ شیرازی نیز عجب و خودپرستی نکوهش شده است و راه وصال به حق و حقیقت و معشوق را مانند نزاری، تواضع و فروتنی و دوری از «خود» می‌داند.

### ۳-۱-۵ ریاکاری و نفاق

یکی از ویژگی‌های ناپسند اخلاقی که اعمال انسان را تباه می‌کند، ریا و تظاهر است که در اسلام بسیار نکوهش شده و فرد ریاکار خارج از دایره ایمان دانسته شده است؛ از این رو یکی از مهم‌ترین مسائلی که ذهن عارفان بزرگ مانند حکیم نزاری را به شدت به خود مشغول داشته، بیزاری از ریا و سالوس است که خرمن دل و دین ریاکاران و مردمان را سوخته است. بر همین اساس وی مسلمانی توأم با تزویر و ریا را بسیار بدتر از کافر بودن می‌داند و بیزار از زاهدان ریاکاری است که مسجد و کنشت را دستاویز ریا و خودنمایی خویش کرده‌اند؛ او شراب و میخانه و... را بر چنین عبادت ظاهری برمی‌گزیند و نسبت به صوفیه - به ویژه آن گروه که پشمینه‌پوشی را دکان زراندوزی و

صید قلوب ساده عوام کرده‌اند - نظر خوشی ندارد؛ اگرچه گاهی کلام او یادآور مطالب و مقاصد صوفیه است و معلوم می‌شود که با اصل عرفان و تصوف نزاعی ندارد و خود او نیز سالک آن راه است. نزاع او با کسانی است که این اندیشه عالی و مذهب والا را دکان ساخته‌اند و خرید و فروش می‌کنند؛ بنابراین آرایش مظاهر یا نمایندگان آن را - به‌ویژه آلوده شدن آن‌ها را به بزرگ‌ترین آفت معنویات، یعنی ریا - برنمی‌تابد تا آنجایی که پربسامدترین آموزه اخلاقی که در اشعار حکیم می‌توان دید، دوری جستن از ریا و تظاهر و داشتن خلوص نیت است؛ درواقع حافظ از این منظر، به اشعار وی توجه داشته است. در ذیل به پاره‌ای از ابیات حکیم نزاری اشاره می‌شود که با ریا و تظاهر مخالفت می‌کند:

گر مسلمانی و گر گبر، ریا واجب نیست  
کافری کردن مطلق ز ریا اولی‌تر  
کعبه جستن به ریا، کافری پنهانی است  
بت پرستیدن پیدا به صفا اولی‌تر  
(همان: غ ۶۰۵)

بیار ای بت ساقی می‌مغانه که من  
ز سر به در کنم این خرقه ریایی را  
(همان: غ ۵۰)

فغان ز قصه زراقیان زهدفروش  
جهود باشم ار آن کافران مسلمانند  
برون نه از حد هستی و از وجود قدم  
که بازماندگان خویشتن پرستان‌اند  
(همان: غ ۵۵۷)

### ۳-۱-۶ نکوهش مکر و حيله

مکر و حيله در اسلام بسیار مذمت و نکوهش شده است؛ به‌گونه‌ای که حتی خدعه و نیرنگ با دشمنان اسلام نیز به‌جز در جنگ جایز نیست؛ زیرا مکر و حيله از ویژگی‌های انسان‌های پست و سرکش به‌شمار می‌آید و با ایمان منافات دارد. افراد مکار و حيله‌گر به سبب ضعف ایمان، منفعت‌طلبی و کینه‌توزی در نهانشان، دچار این رذيله شده‌اند و درواقع این شیطان است که با استفاده از ابزارهای مانند نفس، انسان را به سوی این رذيله سوق می‌دهد (دهنوی، ۱۳۹۶: ۲). نزاری نیز به پیروی از تعالیم دین اسلام، به مخاطبان خود توصیه می‌کند که خدا را همواره در نظر آورید و از مکر و حيله دوری کنید؛ زیرا

خداوند «خیرالماکرین» است و هرگز نمی‌توانید با خدا به ستیزه برخیزید، هر چند به انواع حیل متوسل شوید؛ اما از دام اجل گریزی نیست و سرانجام باید در درگاه حضرت حق پاسخ‌گو باشید.

ز من حیا نکنی از خدا نیندیشی	که هر زمان به جفا حيله‌ای نو آغازی
اگر حواله کار تو با خدای کنم	مسلمت نشود با خدا حیل بازی
حیل مکن که براق اجل عنان تو را	چو باد گیرد اگر خود به سیر شب‌دیزی
زاهد رو به طبیعت را چه قدر	شیر با آن صولت از آتش بجست

(نزاری، ۱۳۷۱: غ ۱۲۴۵)  
(همان: غ ۱۲۵۳)  
(همان: غ ۲۲۲)

### ۳-۱-۷ دوری از کینه

کینه‌توزی از رذایل و صفات ناپسند اخلاقی است. در تعریف آن گفته شده که کینه‌توزی حالت و ملکه‌ای نفسانی است که به‌دنبال آن حسادت، خشم، بغض و... در نفس آدمی پدیدار می‌شود و در قالب عقده در نفس باقی می‌ماند و روح و جسم کینه‌توز را به‌شدت تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و تا ضربه و نیش خود را نزنند، آرام نمی‌گیرد؛ بنابراین، کینه‌حالتی نفسانی است که موجب تنفر و بی‌زاری شخص از چیزی یا کسی می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۳۶). بر همین اساس، حکیم نزاری مخاطبان خود را از کینه‌ورزی برحذر می‌دارد و بیان می‌کند که اگر قلب آدمی سرشار از مهر و محبت شود، کینه در آن جای نمی‌گیرد و قلب خالی از حقد و کینه، جایگاه حضرت حق و ملائک است.

سینه خالی کن نزاری تا فرود آید ملک	گر نه کی بتوان کشیدن کینه و پرخاش را
آتش خشم بریزد آبروی ایمن مباش	آب جوی است آبرویت در نظر فحاش را

(نزاری، ۱۳۷۱: غ ۲۵)  
هر کجا مهر و محبت باشد درنگنجد سر مویی کینه  
(همان: غ ۱۱۰۸)

### ۳-۱-۸ ترک ظلم و آزار دیگران

اسلام دین مکارم اخلاق است و پایبندی به شرافت‌های اخلاقی را ارج می‌نهد، از جمله این شرافت‌ها، نیکی کردن به دیگران و خودداری از آزار آن‌هاست. اگر انسان همنوعان خود را آزار دهد و به آن‌ها آسیب برساند، بسیاری از درجات ایمان را از دست می‌دهد. قباح آزار و اذیت دیگران به حدی است که پیامبر خدا (ص)، اذیت مؤمنان را مساوی با آزار خود معرفی کردند و فرمودند: «مَنْ آذَى مُؤْمِنًا فَقَدْ آذَانِي» (هر که مؤمنی را بیازارد، مرا آزار داده است) (روضه‌الواعظین، ج ۲: ۲۹۳). حکیم نزاری تربیت‌شده مکتب اسلام است و از این رو عرفان وی از آبشخور عرفان اسلامی سرچشمه گرفته است؛ بنابراین با اقتباس از عرفان اسلامی به مخاطبان خود هشدار می‌دهد که از ظلم به همنوع و آزار و اذیت دیگران بپرهیزند؛ زیرا انسان‌ها با کم‌آزاری نسبت به دیگران رستگار می‌شوند. او سعادت‌مند واقعی را کسی می‌داند که دیگران از دست و زبان او در آسایش باشند و آزار نرساندن به مردم را سبب خوش‌نامی و عاقبت‌به‌خیری می‌داند.

نیک‌بخت است که بر وی نبود پوشیده که عقوبت همه مشتق ز دل‌آزاری هست

(نزاری، ۱۳۷۱: غ ۱۹۲)

خوش روزگار عمر عزیزان که هیچ در روزگار عمر از ایشان دلی نخست

(همان: غ ۲۵۲)

نمی‌دانی که اندر مذهب عشق گناهی چون دل‌آزاری نباشد

(همان: غ ۴۹۶)

به آزدن بی‌گناهان مکوش دل اهل دل را پریشان مدار

(همان: غ ۷۱۱)

گر نکونامیت می‌باید مجو آزار خلق گر ستمکاری نشد با فرّه ایزد همای

رستگاری با کم‌آزاری توانی یافتن با کم‌آزاران نشین و با کم‌آزاران گرای

(همان: غ ۱۱۱۳)

وی همچنین توصیه می‌کند که به آزار دیگران نپردازید؛ زیرا ممکن است مورد آماج آه مظلومی قرار گیرید که حضرت حق حامی مظلومان بی‌پناه است و عقاب و مجازاتی شدید برای ظالم رقم خواهد زد.

- می‌کشی و می‌روی بترس که ناگه  
مظلّمه عاجزیت راه بگیری  
(همان: غ ۴۵۵)
- بترس اگرچه بلندی ز دود سینه خلق  
که دود هرچه برآمد گرفت بالا را  
(همان: غ ۱۲)
- خویش را از نفس سوخته دل دار نگاه  
که به یک آه بسوزند دو صد خرمن را  
(همان: غ ۴۱)

### ۳-۱-۹ مذمت حب دنیا

دنیا و ظواهر آن اعم از جاه و مقام، مال و ثروت موقتی و زودگذر است؛ از این‌رو دل بستن به این امور ناچیز دنیوی از عقل و خرد به دور است. دین اسلام همواره مسلمانان را از پرداختن به این امور منع کرده و بارها به آن‌ها هشدار داده است که در دام دنیا گرفتار نشوند. حکیم نزاری با تأسی از آیات قرآن و احادیث پیامبر و بزرگان دین، مخاطبان خود را از جاه و مقام دنیا و دل بستن به این مادیات برحذر می‌دارد؛ او معتقد است دل بستن به این امور به هر قیمت و از هر راهی باعث تباهی عقل می‌شود و احساس عقلانی را منهدم می‌کند؛ نیز بر این باور است که چنین فردی فضیلت و انسانیت را از خود دور می‌کند و با هوس‌های دنیوی، خود را مدفون خواهد کرد و خود را از اطاعت خداوند متعال و دوستی با او و آخرت محروم می‌کند. وی بیان می‌دارد که جاه و مقام این دنیا درحقیقت همچون چاهی است که انسان را به قعر خود فرومی‌برد. وی یادآور می‌شود حتی اگر شخص برترین مال و ثروت و مقام را داشته باشد، هرگز نمی‌تواند حیات ابدی دنیا را برای خود بخرد و از مرگ گریزی نخواهد داشت.

- بر جاه این جهان جهنده چه اعتماد  
چاه بلاست جاه جهان، ترک چاه کن  
(همان: غ ۹۹۲)
- ملوک اگرچه جهان را به تیغ ضبط کنند  
به عاقبت چه برند از جهان؟ دو گز کرباس  
(همان: غ ۶۵۸)
- بیهوده سودا مپز از پی نام و حطام  
مغز تهی می‌کنی و خیز و برون آ، ز پوست  
(همان: غ ۲۶۵)

نیام پایبند حطام مـزور هم از مال توبه، هم از جاه توبه

(همان: غ ۱۰۶۴)

حکیم نزاری در ضمن اشعار خود بیان می‌دارد که حب دنیا آن‌چنان عقل و روح آدمی را تباہ می‌کند و انسان را به هبوط ذلت می‌کشاند و از انسانیت دور می‌کند که آدمی حتی بدون ذره‌ای حیا از خداوند به اموال یتیمان دست تجاوز دراز می‌کند.

هنوز لحم خنازیر خوردن اولی‌تر بر آن که تن به طعام یتیم پرورده است

(همان: غ ۲۸۹)

ز لحم خوک غذا ساختن بسی بهتر که جان و تن به طعام یتیم پروردن

(همان: غ ۹۷۳)

بنابراین وی غضب مال یتیم را از ناپسندترین و نکوهیده‌ترین کارها می‌داند، تاحدی که خوردن گوشت خوک را بهتر از خوردن مال یتیم می‌داند.

### ۱۰-۱-۳ ملامت دیگران

اسلام درباره سرزنش دیگران به عاقبتی بسیار سخت اشاره کرده است. امام صادق سلام الله علیه فرمودند: کسی که مؤمنی را برای گناهی سرزنش کند، نمیرد تا خودش آن گناه را مرتکب شود (میزان الحکمه: حدیث ۱۴۸۵۴) و دلیل آن هم روشن است؛ زیرا سرزنش و ملامت دیگران در دین محکوم است؛ اگرچه امر به معروف لازم و واجب است، کسی نمی‌تواند شخص مرتکب منکر را ملامت کند؛ بلکه عمل شخص، منکر بوده است و باید فعل منکر را تقبیح کرد، نه عامل به منکر را. نزاری نیز ملامت کردن دیگران را بسیار ناپسند می‌داند و معتقد است که انسان هرگز مجاز نیست به سرزنش دیگران بپردازد و باید ابتدا عیوب خود را بشناسد و بداند که خود نیز معصوم از گناه نیست؛ از این رو شایسته نیست که دیگران را قضاوت کند و آبروی آن‌ها را به حراج گذارد. وی همچنین به کسانی که آماج ملامت و تشنیع دیگران قرار می‌گیرند، توصیه می‌کند که دل آزرده نشوند و بیم نداشته باشند؛ زیرا همواره در مسیر عشق، مدعیان دروغین در کمین اند تا زبان به ملامت دیگران بگشایند و عاشق راستین که بار این ملامت را به دوش می‌کشد، مقام و منزلتی والا در نزد حضرت حق می‌یابد.



ناایمن است راه ملامت‌گران عشق      آنجا مرو که حاصل ظالم ندامت است  
(نزاری، ۱۳۷۱: غ ۱۱۹)

گر ملامت‌زده خلق شدی باکی نیست      هر کجا عشق گذر کرد ملامت آنجاست  
(همان: غ ۱۵۱)

بی‌هنرِ عیب‌جوی، غیبت ما گو بگویی      کی به ملامت رود مهر که در دل نشست  
(همان: غ ۲۲۱)

۲-۳ فضایل اخلاقی که در اشعار نزاری، مخاطبان به آن دعوت شده‌اند

### ۱-۲-۳ قناعت

قناعت در اصطلاح، عبارت از این است که انسان بیش از هر چیز با اتکا به خداوند متعال، به آنچه در اختیار دارد، خشنود و سازگار باشد و با عزت نفس و آبرومندی به سر برد و هیچ‌گاه چشم‌داشتی به دیگران نداشته باشد؛ نیز از نداشتن امور مادی و کمبودها اندوهگین و حسرت‌زده نباشد (رحیمی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۵۱).

حکیم نزاری قناعت را از جمله صفات شایسته می‌داند و بیان می‌کند که اگر انسان قناعت پیشه کند، هرگز در دام حيله و نیرنگ دیگران گرفتار نخواهد شد و بالاترین مقام‌های معنوی را به دست خواهد آورد.

ملک قناعت بود سلطنت معنوی      سلطنتی بی‌فتور، مملکتی بی‌متن

بگذرد از سدرهٔ اعلا به قدر مرتبت      هر که را ملک قناعت شد مسلم بر زمین  
(نزاری، ۱۳۷۱: غ ۹۹۸)

(همان: غ ۱۰۳۶)

کبوتر گر قناعت پیشه کردی      کجا در بند دام و دانه بودی

(همان: غ ۱۱۳۳)

### ۲-۲-۳ رضا و تسلیم

رضا و تسلیم از ویژگی‌های پسندیده‌ای است که انسان با تمسک به آن می‌تواند به کمال انسانیت برسد؛ زیرا هرگاه فرد خود را در قلمرو «ربوبیت خدا» ببیند، بر آنچه خدا

برای وی مقرر کرده است، راضی و خشنود می‌شود و به تبع آن آرامش روحی می‌یابد و از تلاطم تشویش و نگرانی‌های دنیوی می‌رهد. حکیم نزاری از این ویژگی‌های بسیار پسندیده غافل نشده است و بیان می‌دارد که هرگاه بنده به قضای الهی راضی باشد و در برابر تقدیرات ازلی سر تسلیم فرود آورد، سعادت‌مند خواهد شد و همین خوی پسندیده سبب می‌شود که انسان به قناعت روی آورد و هرگز محتاج دیگران نشود.

ور بستاند ز من دنیی و دین باک نیست  
بر همه چیز دگر غیر تو دارم رضا  
(همان: غ ۲)

بهشت عدن خواهی، نیست دیگر جز رضای او  
همه تزیل و تأویل ازپی این کار بنهادند  
(همان: غ ۵۴۱)

دل قوی دار و به تسلیم و رضا تن در ده  
تا نباشی به کسی همچو خود آخر محتاج  
(همان: غ ۳۷۸)

چه نیک بخت بود بنده‌ای که در همه حال  
سپاس دارد و راضی شود به حکم خدا  
(همان: غ ۵۱)

گر به تسلیم و رضا از خویش بیرون آمدی  
اینک ای فرزند رهین شو به فردوس برین  
(همان: غ ۱۰۳۶)

رضا و تسلیم به قضا و قدر الهی در ادبیات فارسی و به ویژه غزل عارفانه و حتی غزل عاشقانه نمود بسیاری دارد و سعدی و حافظ بارها بدین موضوع مهم اشاره کرده‌اند که البته آرامش‌بخش وجود انسان و سالک است.

### ۳-۲-۳ توکل بر خدا

توکل یکی از مفاهیمی است که هم در قرآن و هم در سنت پیامبر (ص) و کلام بزرگان دین و همچنین بزرگان و مشایخ تصوف و عرفان در طول تاریخ جاری بوده است؛ نزاری نیز به مخاطبان خود گوشزد می‌کند که هرگز از رحمت خدا ناامید نشوند و در تنگنای زندگی به فضل خداوند تکیه کنند؛ زیرا تنها مأمن و پناه انسان‌ها خداوند است و عاشقان و عارفان حقیقی همواره به حضرت حق توکل می‌کنند.

- آری اگر حاسدان تعبیه‌ای ساختند      شکر که نومید نیست بنده ز فضل خدا  
(همان: غ ۲)
- عاشقان ره به توکلت علی الله سپرند      پس تو هم جز به توکلت علی الله مسپر  
(همان: غ ۶۰۴)
- اعتماد ار می‌کنی بر فضل مولا کن که نیست      چون توکل در جهان حصن حصین سدّ متین  
(همان: غ ۱۰۳۶)

### ۳-۲-۴ وفای به عهد

به سبب اهمیت بسیار زیاد که وفای به عهد دارد، در تعلیمات اسلامی آمده است هرکس بخواهد به دیگری وعده‌ای بدهد، باید در موقع دادن وعده، قدرت خود را ارزیابی کند که آیا می‌تواند به وعده‌ای که می‌دهد، وفا کند یا نه و در صورتی که توانایی ندارد، وعده ندهد. نزاری نیز به اهمیت وفای به عهد آگاه است و عهدشکنی را جایز نمی‌شمارد؛ زیرا سبب بی‌اعتمادی و آزرده‌گی خاطر دیگران می‌شود.

- نباید عهد پیوستن به شوخی باز بشکستن      دل صاحب‌نظر خستن خطای معتبر باشد  
(همان: غ ۴۸۰)
- خلاف عهد روا نیست در وفاداری      چه گویمت که تو بدعهد و بی‌وفا یاری  
(همان: غ ۱۱۸۷)
- ز بی‌وفایی و بدعهدی و جفاکاری      به نام و ننگ ز دونان سزد که برگذری  
(همان: غ ۱۲۲۸)

### ۳-۲-۵ آخرت‌اندیشی و ذخیره آن دنیا

آخرت‌اندیشی در تعالیم اسلام جایگاه والایی دارد. قرآن مجید به انسان‌ها توصیه می‌کند که عاقبت‌اندیش باشند و به گونه‌ای عمل کنند که در دنیا و آخرت سعادت‌مند شوند. نزاری نیز معتقد است که انسان باید در آغاز هر کاری نتیجه آن را بسنجد و میزان تأثیر آن را در سرنوشت خویش بازشناسد و اگر فایده‌ای به حالش ندارد، انجام ندهد؛ نیز هرگز بدون تأمل و دقت به کاری دست نزند؛ زیرا کسی که بدون تأمل درباره نتیجه کار اقدامی کند، خود را در ورطه هلاک و نابودی می‌اندازد.

هیئات که مظلومی در دامن آویزد امروز کند عاقل اندیشه فردا را  
(همان: غ ۱۰)

گر خردمند بود مرد، چو پیش آید کار بایدش اول از آغاز به انجام شدن  
(همان: غ ۹۷۴)

منظور شاعر از امروز و فردا، این دنیا و آخرت است. مرد خرمند از آغاز به فکر سرانجام و نتیجه امور است.

انسان‌ها در طول حیات خود با توجه به باورهایشان عمل می‌کنند. از نظر قرآن و عقل، برخی اعمال، خوب و صالح و برخی اعمال بد و ناصالح است. رفتار و منش انسان با دیگران گاهی خوب و گاهی بد است. در نگرش قرآن کارهای خوب و بد انسان، در مرحله اول به خود او بازمی‌گردد. پذیرش این نکته مهم تربیتی می‌تواند آثار بسیار با عظمتی در رفتار و اعمال ما داشته باشد. نزاری نیز دنیا را مزرعه آخرت می‌داند و بیان می‌کند که انسان در دنیا و آخرت بازتاب اعمال خود را دریافت می‌کند؛ از این رو به مخاطبان هشدار می‌دهد که مراقب اعمال خود باشند و بذریکی در دنیا بکارند تا سعادت‌مند شوند.

کشتزاری است جهان آب و زمی‌ش همسان حق و باطل همه از ریختن دانه توست  
(همان: غ ۲۰۰)

محمود نیست عاقبت ناخدا‌ی ترس گویند زانکه کاشته‌ای بیش ندروی  
(همان: غ ۱۳۵۰)

از عقده و بال براندیش و زخم نیش هر چند ماه طلعت و خورشید پرتوی  
(همان: غ ۱۳۵۰)

راست نشین و پاک رو و نیک نبوش و بد مگو وای اگر ت به عاقبت سوز دلی بود ز پی  
(همان: غ ۱۲۹۲)

### ۳-۲-۶ صبر و شکیبایی

کلمه صبر از مفاهیم بسیار مهمی است که در سرلوحه دستورهای سرنوشت‌ساز قرآن قرار گرفته است و بارها در ضمن آیات قرآن و سخنان بزرگان دین مطرح شده و به

داشتن این ویژگی پسندیده اخلاقی اشاره شده است؛ در اشعار نزاری، صبر نشانه ایمان فرد و داشتن صبر در هنگام بلا و سختی درجه صدیقان دانسته شده است. صابران در نزد حق تعالی ارزش بسیار زیادی دارند و از عذاب و قهر الهی به دورند:

گرت رسد سر پایی به سنگ ناکامی      صبور باش به هر امتحان منال از دوست  
(همان: غ ۲۶۲)

صبر و ثبات عادت و خو کن نزاریا      باشد ظفر هرآینه از جانب صبور  
(همان: غ ۶۱۹)

### ۷-۲-۳ اخلاق نیک

اخلاق نیکو عبارت است از خوش‌رویی، خوش‌رفتاری، حسن معاشرت و برخورد پسندیده با دیگران. دین مقدس اسلام همواره پیروان خود را به نرم‌خویی و ملایمت در رفتار با دیگران دعوت می‌کند و آنان را از درشتی و تندخویی باز می‌دارد. نزاری داشتن خوی نیکو را از ارزشمندترین ویژگی‌های اخلاقی می‌داند و معتقد است اگر انسان به خوی نیک مزین باشد، مقام و منزلتی بسیار بالاتر از فرشتگان خواهد داشت.

نیک خواه و نیک باش و نیک دان      چون قلم رفته است بر لوح ازل نقّاش را  
(همان: غ ۲۵)

توراست با همه حسن و جمال و غنچ و دلال      هزار بار شرف بر فرشته در اخلاق  
(همان: غ ۷۳۵)

از جمله اخلاق پسندیده‌ای که نزاری به آن اشاره می‌کند، مهربانی است:

چه بادش گر به دلداری دمی با بیدلی داری      نصیحت گوش کن عادت مکن نامهربانی را  
(همان: غ ۴۹)

غایت الشفاق بین زین همه تنبیه چیست      مرهم دل خسته باش صخره صمّا مباش  
خوش‌منش و تازه‌رو باش چو لفظ ملیح      پرگره و صُلب و زُفت همچو معما مباش  
(همان: غ ۶۶۹)

وی همچنین به مخاطب توصیه می‌کند که به زیردستان توجه کند و از آن‌ها

دستگیری کند:

تو اگرچه پادشاهی نظری به کهتران کن      که بزرگ زادگان را هنر است شرط تمکین

(همان: غ ۱۰۳۱)

خرابه دل اهل دلی کنی معمور      فریضه تر که بسازی هزار حوض و رباط

(همان: غ ۷۲۵)

بر افتادگان مرحمت واجب است      ز فریادخواهان سخن می نیوش

(همان: غ ۷۱۱)

### ۳-۲-۸ نکوداشت خصلت عفو

عفو به معنی گذشت از گناه و خطای دیگری و خودداری از مجازات خطاکار و گناهکار است. یکی از بافضیلت‌ترین رفتارهای انسانی این است که بتواند از خطا و گناه دیگری چشم پوشی کند و از آن بگذرد. درحقیقت عفو و گذشت خطاهای دیگران، یکی از راه‌های رسیدن به بسیاری از کمالات و مقامات انسانی است. نزاری نیز در ضمن اشعار خود به عفو و بخشش تأکید دارد و آن را از مهم‌ترین خصلت‌های انسانی می‌داند و یادآور می‌شود که هرگاه انسان از خطای دیگران درگذرد، لطف و رحمت خداوند شامل حال او می‌شود و به مرتبه کمال می‌رسد.

زوال عمر و کمال بقا به طاعت نیست      به بخششی است که توفیق لایزال دهد

(همان: غ ۵۷۴)

خرم وجود آن که بشوید به آب عفو      از ما اگر غباری بر خاطرش نشست

(همان: غ ۲۵۲)

اینکه شاعر عفو و بخشش را به آب تشبیه کرده است، این نکته را می‌رساند که عفو همچون آبی است که بر گرد و غبار و آتش خشم و کینه ریخته می‌شود و زلالی و خنکی آب تسکین‌دهنده آتش درون است.

### ۳-۲-۹ همنشین نیک

اسلام جامع‌ترین نسخه سبک زندگی است که مسیر آدمی را به حیات طیبه ختم می‌کند؛ در اسلام درباره همنشین و آثاری که در زندگی و سرنوشت انسان دارد، توصیه شده است که مسلمانان باید در انتخاب همنشین دقت فراوان کنند؛ زیرا همنشین و مصاحب در شکل‌گیری شاکله و شخصیت اجتماعی و اخلاقی تأثیر فراوانی دارد و می‌تواند انسان را سعادت‌مند کند یا به ورطه خذلان بکشد.

حکیم نزاری در اشعار خود بارها درباره تأثیر هم نشین سخن گفته است و اذعان می‌دارد که هیچ چیز برای انسان بدتر از مصاحب پلید نیست؛ همان‌طور که هم‌نشین صالح سبب سعادت انسان می‌شود، مصاحب نادان و نابخرد انسان را به ذلت می‌کشاند. از این رو انسان باید ارزش وجودی خود را دریابد و از مصاحبت با افراد نادان، نابخرد، دون‌همت، دنیا دوست و ناپاک پرهیز کند.

محترز باش ز آرایش ادناس هوا      پاک‌رو را بتر از صحبت ناپاکی نیست  
(همان: غ ۳۲۷)

ز هم نشین موافق طلب حصول حیات      در سرای فروبند بر عوام‌الناس  
حذر ز صحبت جاهل که صفحه کاغذ      سیاه‌روی شد از هم‌نشینی انقاس  
(همان: غ ۶۵۸)

سدره رها کرده‌ای آمده‌ای در مگاک      بر در دون‌همتان بیش به عمد امباش  
(همان: غ ۶۶۹)

دور باش از اهل دنیا زانکه نایمن بود      روزگار از خوف سلطان حاجب و فرآش را  
(همان: غ ۲۵)

### ۳-۲-۱۰ دعوت به خلوت نشینی

خلوت نشینی یا خلوت نشستن از آداب لازم سلوک است و در نزد صوفیه عبارت است از دوری از خلق به قصد عبادت و ریاضت تا بدین سبب، حالت انقطاع و جمعیت خاطر و تمرکز فکر حاصل آید. سعدالدین بن شمس‌الدین نزاری بر این باور است که انسان با خلوت نشینی به آسایش می‌رسد و بهترین افراد برای مصاحبت کسانی هستند که از دنیا و مافیها دل بریده‌اند و در خلوت، قلب خود را معطوف به حضرت حق کرده‌اند.

به قومی التجا کن گر توانی      که ایشان‌اند ممتاز از خلایق  
(همان: غ ۷۴۵)

میسرت نشود جز به خلوت آسایش      مسلّم نشود جز به عزلت استغنا  
زبون نگشت چو موسیچه خرف مرغی      که آشیانه عزلت گرفت چون عنقا  
(همان: غ ۵۱)

### ۱۱-۲-۳ دعوت به توبه

توبه به معنای بازگشت و ترگ گناه است؛ بنده‌ای که از خدا با گناه دور شده است، هرگاه قصد بازگشت و تقرب به معبودش را داشته باشد، باید از گناه خود توبه کند و به جبران معصیتش بپردازد. توبه راهی است که بار دیگر بنده به معبود خود روی آورد و از حضيض ذلت خود را به اوج عزت برساند. حکیم نزاری توبه را ناشی از لطف خداوند می‌داند که پس از عصیان بنده نسبت به خداوند، به اقتضای صفت رحمانیت، بار دیگر حضرت حق آغوش خود را برای بنده می‌گشاید؛ در واقع توبه حقیقی سبب می‌شود که انسانیت دیگر بار در وجود فرد جوانه بزند.

به آب توبه فروشستم آتش صهبا      ز توبه تازه شدم چون گل از نسیم صبا

کنون که دارم بلقیس توبه را در بر      که کرده‌ام به خطا روزگار عمر هبا

(همان: غ ۳)

نزاریا به نعیم خدای واثق باش      که صد گناه بیخشد خدا به یک عملت

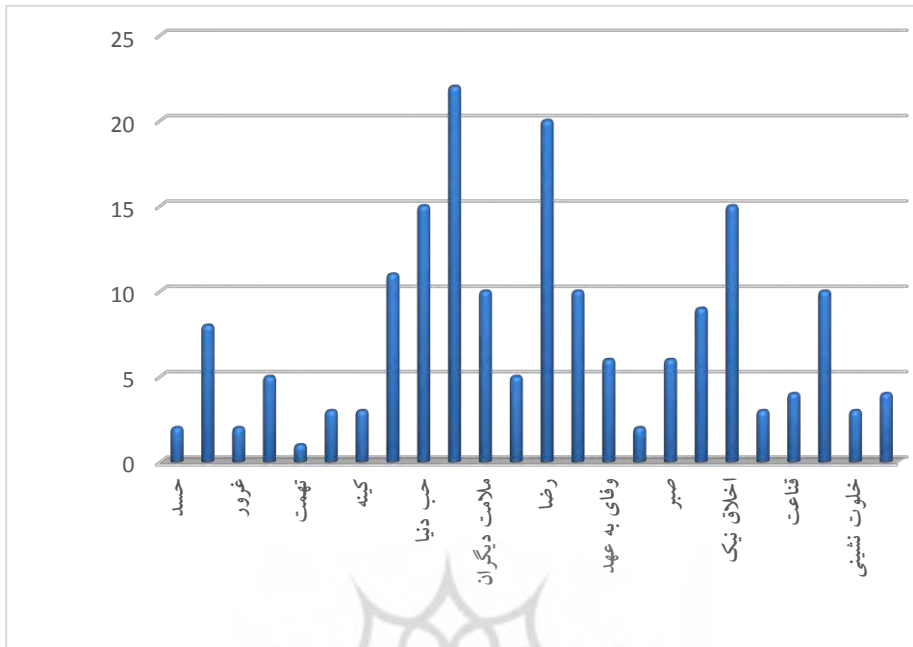
گناه اگر چه عظیم است توبه بازآرد      میان مغفرت از بارگاه لم یزلت

(همان: غ ۳۶۱)

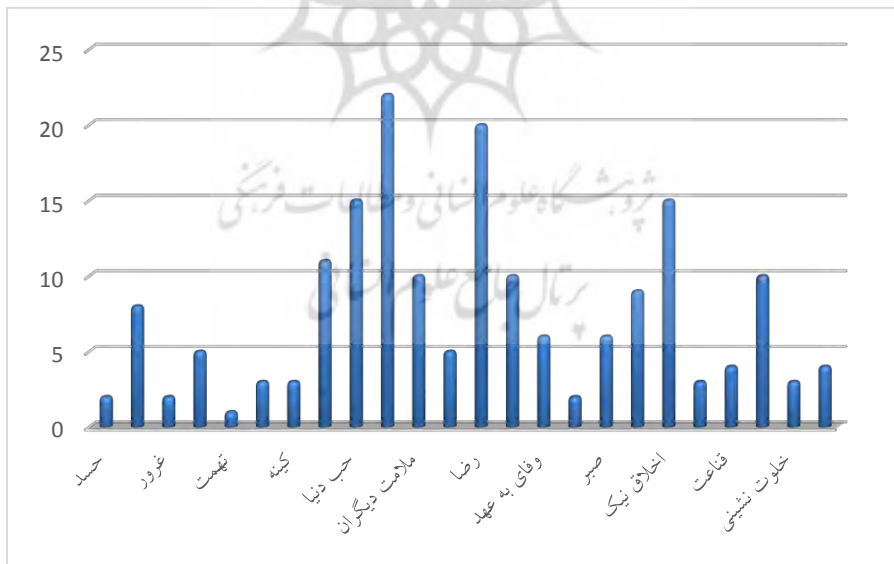
#### جدول شماره ۱: مهم‌ترین صفات اخلاقی (فضایل و رذایل) اشعار نزاری

بسامد	خصایص اخلاقی ستوده شده	بسامد	خصایص غیر اخلاقی نکوهش شده
۵	توکل بر خدا	۵	دورویی
۲۰	رضا و تسلیم	۲	حسد
۱۰	نقد وقت	۸	حرص
۶	وفای به عهد	۲	غرور
۲	عاقبت اندیشی	۵	ریا
۶	صبر	۱	تهمت
۹	نتیجه اعمال انسان	۳	مکر و حيله
۱۵	اخلاق نیک	۳	کینه
۳	عفو	۱۱	ظلم و آزار
۴	قناعت	۱۵	حب دنیا
۱۰	هم‌نشین	۲۲	عجب
۳	خلوت‌نشین	۱۰	ملامت دیگران
۴	توبه		





نمودار ۱: درصد آماری کاربرد آموزه‌های تعلیمی (فضایل اخلاقی) در غزلیات حکیم نزاری



نمودار ۲: درصد آماری کاربرد رذایل اخلاقی در غزلیات حکیم نزاری

## ۶- نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت:

- از دیرباز، اخلاق نقشی اساسی در ادبیات ما داشته و از موضوع‌های محوری انواع مختلف ادبیات مانند داستان و شعر بوده است. این آثار علاوه بر ایجاد التذاذ ادبی برای مخاطب در پی آن است تا از هر مجالی برای تعلیم مفاهیم اخلاقی و هدایت کردن مخاطب در مسیر صحیح زندگی بهره گیرد.
- آموزه‌های اخلاقی در غزلیات حکیم نزاری به شیوه‌های مختلف بیان شده است؛ به گونه‌ای که به ورطه خشکی و بی‌روحو کتاب‌های اخلاقی درنیفتاده است و سراینده از انواع روش‌های تربیتی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از جمله ترغیب، تشویق، تحذیر، استدلال و... بهره گرفته است تا بتواند خصایل نیکو را در ذهن مخاطب نهادینه کند.
- باتوجه به ماهیت ناخوشایند و تلخ پند و موعظه، سراینده در اغلب موارد کوشیده است تا مفاهیم اخلاقی را در لفافه و به‌طور غیرمستقیم بیان کند.
- حکیم نزاری ادبیات را به‌طور کلی، در خدمت فکر اخلاقی و اجتماعی و در مسیر اندیشه مکتبی قرار داده است. در بسیاری از غزلیات عاشقانه و عارفانه وی روح حقیقت‌جویی، کمال انسانی، علم و اعتقاد به روشنی دیده می‌شود.
- سراینده در بیان معارف الهی نیز جانب تعلیم را رها نکرده است و ضمن اشاره به جنبه شرعی این مسائل جنبه باطنی آن را هم تبیین می‌کند و بیان می‌دارد که تنها نباید به ظواهر بسنده کرد.
- غزلیات عارفانه حکیم نزاری درحقیقت گنجینه‌ای ارزشمند از معارف است که سراینده آموزه‌های اسلامی و قرآنی و عارفانه را با مفاهیم اخلاقی درآمیخته و اثری شگرفت و تأثیرگذار آفریده است.
- در جمع‌بندی نهایی باید گفت که نزاری اصلی‌ترین رذایل اخلاقی (غرور و عُجب، مکر و حيله، ظلم، کینه، حرص، تهمت، ریا و...) را برشمرده و از آن نهی کرده و انذار داده است و به فضایل اخلاقی مهم و برآمده از دل آیات وحی (تسلیم و رضا، قناعت، خلوت‌نشینی، صبر و وفای به عهد، خوش‌خلقی و عفو و...) دعوت کرده است.

## پی‌نوشت

۱. همهٔ ارجاعات به دیوان نزاری، براساس تصحیح استاد مصفا (۱۳۷۱) و فقط با ذکر شمارهٔ غزل نگاشته شده است.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمهٔ مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: بنیاد نشر قرآن، ۱۳۶۷ ش.
۲. بایبوردی، چنگیز غلامعلی (۱۳۷۰)، *زندگی و آثار نزاری*، تهران: نشر هیرمند.
۳. تجلی اردکانی، اطهر و همکاران (۱۳۹۳)، «امامت و تعلیم در شعر ناصر خسرو و نزاری قهستانی»، مجموعه مقالات همایش همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشهٔ حکیم نزاری قهستانی، بیرجند: نشر چهار درخت، ۹۱-۱۱۹.
۴. جعفری صادقی، سید علی؛ حسینی کازرونی، سید احمد (۱۳۹۳)، «یکسانی محتوایی غزلیات و مثنوی دستورنامه نزاری قهستانی»، فصلنامهٔ تحقیقات تمثیلی در زبان فارسی، دورهٔ ۶، شمارهٔ ۲۲، ۲۳۹-۲۵۶.
۵. حالی، الطاف حسین (۱۳۱۶)، *حیات سعدی*، ترجمهٔ سید نصرالله سروش، تهران: احسان.
۶. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۵)، *حافظ‌نامه*، ۲ جلدی، بخش اول، چاپ دهم، تهران: علمی فرهنگی.
۷. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۰)، *اخلاق ناصری*، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: خوارزمی.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷)، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران: صادق.
۹. رحیمی اصفهانی، غلامحسین (۱۳۶۸)، *اخلاق اسلامی*، ج ۲، قم: نشر جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم.
۱۰. رضائی، پروین (۱۳۹۹)، «مصیبت‌نامهٔ عطار نیشابوری؛ آمیزه‌ای از اخلاق عملی و عرفان، باتکیه بر حکایت‌های اندرزی»، پژوهشنامهٔ ادبیات تعلیمی، شمارهٔ ۴۸، ۱-۳۲.
۱۱. رضی، احمد؛ فرهنگی، سهیلا (۱۳۹۲)، «لحن تعلیمی در دیوان حافظ»، پژوهشنامهٔ ادبیات تعلیمی، سال پنجم، شمارهٔ ۱۸، ۷۹-۱۰۲.

۱۲. رفیعی، محمود (۱۳۹۲)، *ادب نامه*، تهران: هیرمند.
۱۳. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹)، *تاریخ ادبیات در ایران*، جلد سوم، تهران: فردوس.
۱۴. صفیان بلداجی، یوسف؛ یلمه‌ها، احمدرضا؛ رادمنش، عظامحمد (۱۳۹۹)، «علل و انگیزه‌های کاربرد مضامین تعلیمی در منظومه غنایی ازهر و مزهر نزاری قهستانی»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، دوره ۱۲، شماره ۴۵، ۷۷-۱۰۶.
۱۵. طاهری، فاطمه سادات؛ چینی، فریبا (۲۰۱۴)، *معرفی نزاری قهستانی و بررسی سبک‌شناسانه غزلیات وی*، بیرجند: دانشگاه بیرجند.
۱۶. عیاری، شمس (۱۳۹۴)، «بررسی و پژوهشی در مذهب و عقاید نزاری قهستانی»، *مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی*، (برگرفته از [www.SID.ir](http://www.SID.ir))، ۳۴۹-۳۵۵.
۱۷. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۸۱)، *روضه‌الواعظین*، قم: دلیل ما.
۱۸. فیض کاشانی، موالحسن (۱۳۸۲ ش.)، *المحججه البیضاء*، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. ماوردی، علی بن محمد (۱۴۰۷)، *ادب الدنيا و الدین*، ج ۱، قاهره: چاپ مصطفی سقا.
۲۰. مجتهدزاده، سید علیرضا (۱۳۴۵)، «نزاری قهستانی»، *مجله جستارهای ادبی* (ادبیات و علوم انسانی سابق) شماره ۸، ۷۱-۱۰۰.
۲۱. مدرس‌زاده، عبدالرضا؛ صفوی، بنفشه سادات (۱۳۹۰)، «نگاهی به آموزه‌های اخلاقی در غزل‌های سعدی»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، شماره ۱۲، ۱۲۷-۱۴۸.
۲۲. مدرس‌زاده عبدالرضا؛ پورسید، معصومه (۱۳۹۹)، «بررسی مضامین تعلیمی در سفرنامه‌های ناصر خسرو، نزاری قهستانی و خسی در میقات جلال آل‌احمد»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، دوره ۱۰، شماره ۳۹، ۵۶-۹۶.
۲۳. مصفا، مظاهر (۱۳۷۱)، *متن انتقادی دیوان حکیم نزاری قهستانی*، تهران: نشر علمی.
۲۴. نادیا، ابوجمال (۱۳۸۹)، *اسماعیلیان پس از مغول*، مترجم: محمود رفیعی، تهران: نشر هیرمند.

۲۵. نزاری قهستانی، شمس‌الدین (۱۳۷۱)، دیوان حکیم نزاری قهستانی، به تصحیح مظاهر صفا، تهران: نشر علمی.
۲۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، مثنوی روز و شب، به تصحیح و مقدمه محققانه دکتر نصرالله پورجوادی، تهران: نشر نی.
۲۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱)، سفرنامه حکیم نزاری قهستانی، به اهتمام محمود رفیعی، به تصحیح چنگیز غلامعلی بایوردی، تهران: نشر هیرمند.
۲۸. یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی اشعار تعلیمی فردوسی و حافظ»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، شماره ۱۱، ۱۵۳-۱۷۰.
۲۹. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۴)، میزان‌الحکمه، تهران: دارالحدیث.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی